

سند برنامه درسی ملی:

« حوزه های تربیت و یادگیری » (۱)

جلسه ۲۰ اردیبهشت

دکتر موحدی

فهرست

۲	مقدمه
۳	حوزه های تربیت و یادگیری
۳	حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی
۴	اهمیت تعقل
۴	معنای تعقل
۴	معنای حکمت
۵	حکمت و بصیرت چه زمانی حاصل می شود؟
۵	یک نقد
۵	ضرورت حوزه
۶	هدف حوزه
۶	قلمرو و محدوده حوزه
۷	نتایج مورد انتظار از این حوزه
۷	حوزه تربیت و یادگیری قرآن و عربی

- ۸..... ضرورت و کارکرد حوزه
- ۸..... قلمرو حوزه
- ۹..... انگیزه تلاوت قرآن
- ۱۰..... حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی
- ۱۰..... کارکرد حوزه
- ۱۰..... ضرورت حوزه
- ۱۲..... قلمرو حوزه
- ۱۲..... حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر
- ۱۳..... جهاد فرهنگی
- ۱۴..... معنای آیه بینی و آیه خوانی
- ۱۵..... ضرورت و کارکرد حوزه
- ۱۵..... ضرورت فرهنگ
- ۱۵..... ضرورت تربیت هنری
- ۱۶..... کارکرد
- ۱۶..... جهت گیری کلی
- ۱۷..... سوالات

مقدمه

جلسه پیش درباره «الگوی هدف گذاری» مطالبی را گفتیم و توضیح دادیم که الگوی هدف گذاری در آموزش و پرورش، بر اساس رابطه اجزاء سه مفهوم با یکدیگر طراحی شده است: شایستگی های پایه («تعقل»، «ایمان»، «علم»، «عمل» و «اخلاق»); موقعیت (رابطه با خود، خدا، دیگران و طبیعت); و

ساحت های شش گانه حیات طیبیه (اعتقادی عبادی اخلاقی؛ زیستی بدنی؛ هنری زیبایی شناختی؛ علمی فناوریانه؛ اجتماعی سیاسی؛ و اقتصادی حرفه ای).

اما ادامه «سند برنامه درسی ملی»:

حوزه های تربیت و یادگیری

این حوزه ها عبارتند از:

حکمت و معارف اسلامی؛ قرآن و عربی؛ زبان و ادبیات فارسی؛ فرهنگ و هنر؛ سلامت و تربیت بدنی؛ کار و فن آوری؛ علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛ ریاضیات؛ علوم تجربی؛ زبان های خارجی؛ آداب و مهارت های زندگی و بنیان خانواده.

همانطور که می بینید این عناوین، کاملاً مرتبط با عناوین کتب درسی هستند. در ادامه، ضرورت و کارکرد هر حوزه و قلمرو آن را مشخص می کنیم.

این اهداف و ضرورت ها با توجه شایستگی های پایه و بر اساس اهداف دوره های تحصیلی تدوین شده اند.

یک نکته: در زمان تدوین سند برنامه درسی، هنوز «اهداف دوره های تحصیلی» مشخص نبوده است. اما در حال حاضر این کار انجام شده است. برخی از اهداف دوره های تحصیلی را، قبل از عید و در فایل «حیات طیبیه، صراط مستقیم و قرب به خدا»، به شما ارائه کردم. برای مطالعه کامل این اهداف، می توانید به سایت شورای عالی آموزش و پرورش مراجعه کنید و کتاب «مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (ویژه مدارس)» را دانلود و صفحات ۲۰ تا ۳۶ را مطالعه کنید.

حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی

دین اسلام، شامل اعتقادات، اخلاق، احکام و همه آن چیزی است که انسان ها برای رسیدن به هدف خلقتشان (قرب به خداوند و ورود به عالم لاهوت) به آن نیاز دارند.

منابع اخذ معارف اسلامی عبارتند از:

قرآن، سنت و سیره پیامبر و ائمه (ع) و عقل.

اهمیت تعقل

اهل سنت «تعقل» را از منابع اخذ معارف اسلامی نمی دانند. درحالی که تعقل منبعی بسیار مهم است به چهار دلیل:

۱. پذیرش دین، مبتنی بر معرفت عقلانی اصول دین است.
۲. ارزش اعمال دینی، به میزان عقل و خرد فرد است.
۳. تعقل دستاوردی دارد به نام «حکمت» که خیر کثیر است.
۴. تفکر به انسان کمک می کند تا با متعادل کردن قوای درونی خویش، در مسیر فطرت توحیدی قدم بردارد.

معنای تعقل

سند برنامه درسی ملی، تعقل را اینگونه تعریف کرده است:

«قدرت تجزیه و تحلیل و ربط دادن قضایا و سنجش و ارزیابی یافته‌ها»

ما قبلاً مفصل درباره معنا و ماهیت عقل توضیح داده ایم.

معنای حکمت

سند برنامه درسی ملی، «حکمت» (علم متین، محکم و استوار) را دستاورد قوه تعقل معرفی کرده است.

خداوند در قرآن، درباره حکمت می فرماید: «مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره، ۲۶۹) یعنی «به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است». یعنی «حکمت» نوری است که به فرد عطا می شود. یعنی از سنخ معارفی است که خداوند آن را بر قلب محبوبانش می تاباند. بنابراین، اگر منظور از «عقل»، قوه تجزیه و تحلیل ذهن باشد، دستاورد آن حکمت نخواهد بود.

ولی اگر عقل را آنگونه که قبلاً معنا کردیم، معنا کنیم، حکمت به راستی دستاورد عقل است. زیرا عقل با محبوب خدا شدن، شکوفا می شود و کسی که محبوب خداست، از معارف قلبی و حکمت نیز برخوردار می شود.

حکمت و بصیرت چه زمانی حاصل می شود؟

جواب سند برنامه درسی ملی: هنگامی که فرد با رعایت قوانین منطق، درست فکر کند و تفکر او تحت هدایت و رهبری عقل سلیم و نقل (آیات قرآن و روایات) باشد.

جواب من: حکمت زمانی حاصل می شود که انسان محبوب خدا بشود. بصیرت نیز نتیجه «تقوا» است. و تقوا، یعنی عشق به خدا باعث شود که از گناهان دوری کنیم و طوری رفتار کنیم که خدا از ما خوشش بیاید.

یک نقد

به نظر می رسد نویسندگان سند برنامه درسی ملی، تفکیک روشنی میان مفاهیم «قلب»، «عقل» و «ذهن و فکر» انجام نداده اند. زیرا ابتدا تعقل را به «قدرت تجزیه و تحلیل» که درواقع، کارکرد «ذهن و فکر» است، تعریف کرده و در انتها نیز، «عقل» را به قید «سلیم» متصف کرده اند، درحالی که ما عقل غیر سالم نداریم! آن چیزی که می تواند سالم یا مریض یا حتی میت باشد، «قلب» است، نه «عقل»!

ضرورت حوزه

۱. مهمترین هدف تشکیل نظام اسلامی، تربیت دینی مردم است.
۲. مهمترین هدف و رسالت تعلیم و تربیت در کشور ما، تربیت دینی مردم است.
۳. مهمترین راهکار برای دست یابی به هدف خلقت (تقرب به خدا در بعد فردی و تحقق حیات طیبه در بعد اجتماعی)، تربیت دینی مردم است.
۴. تربیت دینی متربیان، بستری برای تقویت اندیشه آنهاست.
۵. تربیت دینی، بستری برای تربیت همه بعدی متربیان است.

(قبلا توضیح داده ام که لازمه تربیت دینی، این است که انسان رابطه اش با خود، خدا، دیگران و طبیعت اصلاح شود. برای این کار، باید ناخودآگاه متربیان به درستی تربیت شود و مدیریت ذهن و فکر را یاد بگیرند و حرف زدن با خدا و اهل بیت را بیاموزند و تمرین کنند. یک تربیت دینی درست، یعنی تربیت یک انسان کامل و همه بعدی. کسی که در علم و اخلاق و هنر و سایر حوزه های حیات طیه، شایستگی های لازم را کسب کرده است.)

هدف حوزه

هدف ما از تربیت دینی متربیان، این است که:

۱. زندگی فردی و اجتماعی متربیان، رنگ خدایی بگیرد.
۲. تربیت افرادی که بتوانند در برابر آسیب های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ایستادگی و مقاومت کنند.
۴. تربیت افرادی که بتوانند جامعه را به سوی آرمان های اسلامی سوق دهند و در تعالی جامعه مشارکت مؤثر داشته باشد.
۵. تربیت افرادی که در آینده، در تربیت فرزندان خود موفق باشند.
۶. تربیت افرادی که حکیمانه رفتار می کنند.

قلمرو و محدوده حوزه

محدوده این آموزش، آن است که دانش آموزان دین را به عنوان راهنمای عمل و برنامه زندگی بشناسند و براساس آن، برنامه ریزی و عمل نمایند.

این معارف شامل سه بخش زیر است:

الف) حکمت نظری (شناخت هست ها):

دانش آموز باید در اصلی ترین موضوعات اعتقادی (توحید، معاد، عدل، نبوت و امامت و ولایت فقیه) به یک شناخت اجمالی برسد و همچنین، باید نظام خلقت را از آن جهت که آیت خداوند است و روبه خداوند دارد، بشناسد.

ب) حکمت عملی (شناخت بایدها و نبایدها):

دانش آموز باید با مسائل اصلی اخلاق و با چالش‌های جدید اخلاقی آشنا باشد. و ملتزم به اخلاق بشود.

ج) احکام:

دانش آموزان باید احکام دینی را در حدی که برای انجام صحیح تکالیف شرعی مورد نیاز است، بیاموزند.

نتایج مورد انتظار از این حوزه

انتظار می رود که دانش آموزان در پایان دوره های تحصیلی دارای ویژگی های زیر باشند:

- آمادگی برای دینداری و عمل به وظایف دینی؛
- احساس خرسندی و رضایت از هویت اسلامی خود و علاقه و تلاش برای حفظ آن؛
- تلاش برای رشد شعائر و فرهنگ دینی جامعه در شرایط مختلف اجتماعی؛
- احساس مسئولیت نسبت به نظام اسلامی و مشارکت در پیشرفت نظام و اقتدار و سربلندی آن در جهان؛
- بهره‌مندی از حکمت نظری و عملی.

حوزه تربیت و یادگیری قرآن و عربی

قرآن کتاب دینی ما و کتاب هدایت است. قرآن کتابی حکمت آموز و تنها کتابی است که سخن خالق عالم هستی است. قرآن سرشار از حقایق و معارف استخراج نشده است.

عربی زبان دینی ما و احتمالاً زبان علمی جهان در عصر ظهور است.

ضرورت و کارکرد حوزه

ضرورت آموختن قرآن واضح است. اما ضرورت و کارکرد آموختن عربی:

۱. باعث می شود که فرد بتواند به طور مستقیم با قرآن ارتباط برقرار کند، آن را بفهمد و از رهنمودهای آن بهره ببرد.

(توجه داشته باشید که معارف قرآن بی نهایت است. اما معارف موجود در ترجمه ها و تفاسیر، محدود است. توانایی ارتباط مستقیم با قرآن، یعنی گرفتن آب از سرچشمه؛ یعنی چشیدن زیبایی های کلام خداوند؛ یعنی امکان کشف معارف جدید قرآنی)

۲. توانمند شدن متربیان برای استفاده از معارف اهل بیت (ع).

(توجه داشته باشید که بسیاری از کتب حدیثی ترجمه نشده اند و بسیاری از ترجمه ها نیز گویا نیستند و حقیقت مطلب را ادا نکرده اند. مواجهه مستقیم با روایات، یعنی امکان استخراج این معارف ناب.)

۳. زبان و ادبیات فارسی با زبان عربی درآمیخته است و آشنایی با زبان عربی در یادگیری زبان فارسی تأثیر خواهد داشت.

قلمرو حوزه

قلمرو حوزه : حوزه یادگیری قرآن و عربی شامل دو حوزه محتوایی آموزش قرآن کریم و آموزش عربی است و حد نهایی یادگیری در این دروس به شرح زیر است :

(الف) توانایی خواندن صحیح و روان قرآن کریم؛

(ب) توانایی درک معنای عبارات ساده و پرکاربرد قرآن کریم؛

(ج) توانایی نسبی تدبیر در آیات قرآن کریم به منظور درک ساده و اولیه دقیق و ظرائف مفاهیم آیات، بدون آموزش تخصصی علوم قرآنی؛

(د) انس مستمر و دائمی با قرآن کریم، به نحوی که دانش آموزان، اهل خواندن و تفکر در قرآن باشند و این امر را لازمه تربیت دینی و اعتلای هویت الهی خویش بدانند.

انگیزه تلاوت قرآن

انس با قرآن و تلاوت قرآن، نیازمند یک هدف، انگیزه و بینش صحیح است. چرا باید قرآن بخوانیم؟ چرا باید یک کتاب عربی را که ۱۴۰۰ سال پیش نوشته شده است، بخوانیم؟

خداوند در قرآن می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (آل عمران، ۷۷)

یعنی خداوند در روز قیامت، به عده ای نگاه نمی کند و با آنها حرف نمی زند و به همین دلیل، این افراد پاک نمی شوند و به همین دلیل، عذابی دردناک را تجربه می کنند.

این آیه نشان می دهد که خداوند به عده ای دیگر نگاه می کند و با آنها حرف می زند و این کار، باعث می شود که آنها پاک بشوند.

اوج معنای این سخن، این است که اگر کسی در دنیا به جای دنیا و بهشت، خدا را انتخاب کرد، شاید در دنیا عملش به قدری خالص نباشد که بتواند بعد از مرگ، مستقیماً به عالم لاهوت برود؛ شاید در دنیا آنقدر عشقش به خداوند شدت نگیرد که بتواند به دژ «لا اله الا الله» وارد بشود. ولی خداوند در قیامت به او نگاه می کند و با او حرف می زند و با این توجه رحیمانه، او را پاک می کند و سپس او را پیش خودش (در عالم لاهوت؛ در جوار اهل بیت) می برد.

نکته مهم این است که سخن گفتن خداوند با انسان ها و نگاه کردن خداوند به انسان ها در دنیا نیز همین اثر را دارد. این نگاه محبت آمیز پاک کننده، در نماز وجود دارد (البته، به شرط اینکه نماز را به خاطر خدا -نه بهشت و جهنم- بخوانیم و در نمازمان به خداوند بی احترامی نکنیم). این گفتگوی پاک کننده نیز در تلاوت قرآن وجود دارد.

بنابراین، اگر به دانش آموزان عشق و محبت به خدا را یاد بدهیم، و اگر ارزش واقعی خودشان را بفهمند، دیگر تلاوت قرآن و انس با قرآن سخت نخواهد بود.

یک نکته: خیلی خوب است که هر روز، یک صفحه از قرآن را با ترجمه بخوانیم و به دانش آموزان هم این کار را توصیه کنیم.

آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد. این دو حوزه محتوایی، ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند و برنامه‌ریزی آن‌ها باید هماهنگ و مرتبط با هم صورت گیرد و از اهداف، محتوا و روش‌های مشترک و نیز مطالب مکمل و تأیید کننده همدیگر استفاده مطلوب به عمل آید.

حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی

کارکرد حوزه

زبان دو کارکرد اصلی دارد: ۱. ابزاری برای ارتباط با دیگران؛ ۲. ابزاری برای ایجاد زیبایی هنری.

ضرورت حوزه

۱. زبان و ادبیات فارسی، رمز هویت ملی و سبب پیوستگی و وحدت همه اقوام ایرانی است.

۲. آموزش زبان، بستری مناسب برای پرورش مهارت‌ها و ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان است.

زیرا مثلاً می‌توان مفاهیم اخلاقی را در قالب شعر و داستان و ... به دانش‌آموزان آموزش داد.

آموزش زبان و ادبیات فارسی، بر انتقال ارزش‌های فرهنگ اسلامی ایرانی تأکید دارد.

[اشعار عاشقانه حافظ و برخی دیگر از شعرا، درواقع، در توصیف عشق به خدا هستند. برای مثال، شعر

زیر که بیت آغازین دیوان حافظ است، معنایی بسیار بلند و الهی دارد:

«الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها»

بر اساس آیه «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (انسان، ۲۱)، خداوند ساقی مقربانی است که محبوب خدا و ساکن عالم لاهوت هستند و برای آنها شرابی می ریزد که نه تنها آلوده کننده نیست، بلکه آنها را پاک تر می کند و قرب بیشتر آنها را به خداوند امکان پذیر می کند. حافظ در بیت بالا، به همین موضوع اشاره کرده و به خداوند می گوید: «ای ساقی! جامی بریز و آن را بین عاشقانت بگردان!» زیرا عشق به تو که ابتدا آسان می نمود، بعداً معلوم شد سختی هایی دارد که امید است با چشیدن از شراب طهور، تحمل آنها بر من آسان شود:

«چو عاشق می شدم گفتم که بردم گوهر مقصود ندانستم که این دریا، چه موج خون فشان دارد»

یا برای مثال، سعدی درباره عشقش به خداوند می گوید:

وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوَدِّ إِنْ شَمَمْتُ رُفَاتِي نه پنج روزه عمرست عشق روی تو ما را

محمّد تو چه گویم که ماورای صفاتی وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

آن کسی که ماورای صفات است، خداوند است. سعدی در این ابیات به خداوند می گوید که عشق او به خداوند به قدری در تمام وجود او رسوخ کرده که اگر بعد از مرگش، استخوان های پوسیده او را ببینند، بوی محبت و عشق به خدا را استشمام خواهند کرد.

۳. زبان بستری برای تفکر است.

۴. خیلی وقت ها دانش آموزان در دروس ضعیف هستند، چون در درس زبان فارسی ضعیف هستند؛ چون روان خوانی آنها مشکل دارد؛ چون مفاهیم متون درسی را درک نمی کنند.

۵. مجموعه تجربیات ارائه شده در قالب های گوناگون زبان و ادبیات فارسی، دانش آموزان را افرادی پایبند به ارزش های ملی و دینی و متخلق به آداب و اخلاق متعلق به این سرزمین می پرورد، و آنان را در حفظ فرهنگ و تمدن خویش توانمند می کند.

قلمرو حوزه

آموزش زبان و ادبیات فارسی بر چهار مهارت زبانی گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن تأکید دارد.

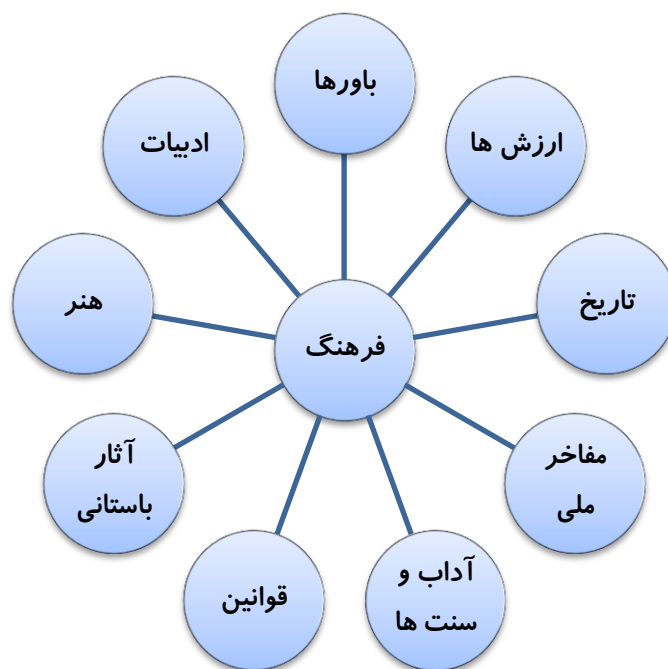
جهت گیری کلی

در دوره ابتدایی، عمدتاً کارکرد ارتباطی زبان مورد توجه قرار می گیرد و کارکرد هنری زبان صرفاً با هدف لذت بردن از زبان دنبال می شود. در دوره های تحصیلی بالاتر، هدف از کارکرد هنری زبان، انتقال ارزشهای فرهنگی، تقویت توانمندی های هنری متربیان و کسب هویت ملی است.

حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر

فرهنگ، مهم ترین و غنی ترین منبع دست یابی به هویت است.

فرهنگ شامل: باورها و ارزش ها، تاریخ، مفاخر ملی، آداب و سنت ها، قوانین، آثار باستانی، هنر و ادبیات گذشته و معاصر است.



حوزه یادگیری فرهنگ و هنر:

گذشته، مفاخر ملی، آداب و سنت‌ها، قوانین، آثار باستانی، هنر و ادبیات گذشته و معاصر است. حوزه یادگیری فرهنگ و هنر ناظر به درک معنا و روابط میان پدیده‌ها (آیه یینی و آیه خوانی)، زیبایی‌شناسی و قدرشناسی نسبت به نشانه‌های جمال الهی و زیبایی‌ها در پیشینه فرهنگی جامعه (نمادها، آداب و رسوم، ارزش‌ها، اسوه‌ها و اسطوره‌ها) و حفظ و تعالی آن است.

جهاد فرهنگی

ما وقتی از جهاد فرهنگی سخن می‌گوییم و اینکه بر من و شما دانشجو معلمان واجب است که در این جهاد شرکت کنیم (و الا گرفتار لعنت و نفرین امام زمان مان خواهیم شد)، منظورمان حفظ اسطوره‌ها و مفاخر ملی و ... نیست.

بلکه منظورمان مقابله با شیخون فرهنگی است. دشمن به کمک ابزار رسانه، نسل ما را قدم به قدم به دنبال روی شیطان واداشته است. تا آنجا که بسیاری از دانش آموزان دبیرستانی، به جای آنکه فطرت شان شکوفا بشود، وجدان شان خاموش شده است و از ارتکاب گناه، حتی احساس شرمندگی نمی‌کنند. تا آنجا عده ای با گناه انس گرفته اند و آرامش خود را با ارتکاب آن به دست می‌آورند.

ما چه کار کنیم؟ ما باید خداوند را به گونه ای معرفی کنیم که عشق به خدا ایجاد شود. ما باید قدر و قیمت مترییان را به آنها یادآوری کنیم و حرف زدن عاشقانه با خداوند را به آنها یاد بدهیم. هدیه دادن به حضرت زهرا و مادر خطاب کردن ایشان را به مترییان یاد بدهیم. اصلاح ضمیر ناخودآگاه، تسلط بر ذهن و فکر، روبه روی آینه با خود حرف زدن و از خود تعریف کردن، عاشق خود بودن، قدرتمند بودن و سایر راهکارهایی را که تاکنون توضیح داده ام، به آنها یاد بدهیم. تا بتوانند در وجود خودشان با این تهاجم گسترده مقابله کنند، تا بینش دینی آنها اصلاح شود؛ تا بتوانند نقشی موثر در اصلاح جامعه و زمینه سازی برای ظهور ایفا کنند.

این می‌شود جهاد فرهنگی من و شما. جهادی که بدون شک، امام زمان (عج) از من و شما معلم انتظار دارد که با جدیت در آن شرکت کنیم.

معنای آیه بینی و آیه خوانی

«آیه بینی» یعنی همه عالم هستی و تک تک موجودات را جلوه اسماء و صفات الهی ببینیم. یعنی وقتی هر زیبایی، قشنگی و خوبی در عالم می بینیم، خداوند را به خاطر آن تحمید و تمجید کنیم.

«آیه خوانی» یعنی بتوانیم آیات عالم هستی را بخوانیم و با تأمل در آنها، به اسماء و صفات و ویژگی ها و حکمت های خداوند پی ببریم.

نمونه هایی از آیه خوانی:

- چرا درختان که میوه می دهند، میوه شان را خودشان نمی خورند؟ چرا زنبور عسل، بیش از مصرف خودش عسل تولید می کند؟ چرا درختان دی اکسید کربن تنفس می کنند و اکسیژن تحویل می دهند؟ چون خداوند آنها را برای خدمت کردن به ما «انسان ها» آفریده است. چون خداوند عاشق من و شماست.
- حاج اسماعیل دولابی: گربه را هر طور پرت کنی، چهار دست و پا روی زمین می آید. شیعه هم همین طور است! هر بلایی سرش بیاورند، مسیرش را درست ادامه می دهد.
- پرندگان هنگام طلوع و غروب خورشید، به شدت سر و صدا می کنند. ذکر خدا می گویند. «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا»
- حیوانات چون همه چیز را در زمین می جویند، به زمین چسبیده اند و چهار دست و پا راه می روند. انسان شده ای که به بالا، به خداوند، توجه کنی.
- درخت سرش در خاک است و از آن تغذیه می کند. گویی همواره سر بر سجده دارد. «النجم و الشجر يسجدان». سجده کن تا به بار بنشینی!
- امام علی (ع): از اینکه هر چیزی زوج آفریده شده است، دانستم که خداوند قرین و همتایی ندارد.
- و

ضرورت و کارکرد حوزه

ضرورت فرهنگ

۱. فرهنگ عامل استقلال، خودکفایی، عزت نفس و مقابله با از خودبیگانگی است.

۲. فرهنگ عامل احراز هویت ملی است.

ضرورت تربیت هنری

۱. هنر تجلی باورهای جامعه است.

۲. هنر انسان را از سایر حیوانات متمایز می کند و به او هویتی متمایز می بخشد.

۳. رشد هنر از نشانه های ارتقاء تمدن و فرهنگ است.

۴. هنر قالبی مناسب برای بازنمایی دامنه و عمق ارزش هاست.

(فقط تصور کنید که یک سریال بی نظیر، مثل سریال حضرت یوسف که فطری بودن پرستش و ماهیت عشق الهی و تأثیر عشق به ولی خدا را در رشد آدمی به تصویر می کشد، چقدر در انتقال ارزش های عمیق دینی موثر است.)

۵. تربیت هنری، زمینه ساز حفظ، احیا و اشاعه هنرهای ایرانی اسلامی است و به فرد و جامعه هویت بخشی می کند.

۶. تربیت هنری، راهکاری برای مقابله با تهاجم فرهنگی است.

[پیش نیاز تربیت هنری، این است که دانش آموزان زشت و زیبا را درست تشخیص بدهند. و این زمانی محقق می شود که به جای قدم های شیطان، نور هدایت را قدم به قدم دنبال کنند و فطرت شان شکوفا بشود.]

۷. تربیت هنری زمینه شناخت و قدردانی از خداوند را فراهم می کند. زیرا در اثر تربیت هنری، فرد زیبایی ها و نظم هستی را بهتر درک می کند.

[خداوند زیباست و ما زیبایی را دوست داریم. زیبایی بی نهایت خداوند در تک تک آیه های کتاب تکوین جلوه گر شده است. پس اگر بهتر بتوانیم زیبایی های جهان هستی را درک کنیم، به همان میزان به درک بهتری از زیبایی خداوند نائل می شویم. و به همان میزان، حس ستایش و قدرشناسی و محبت، در قلب مان شعله ورتر می شود.]

۸. تربیت هنری تخیل متربیان را تقویت می کند؛ به ادراک حسی و عاطفی آنها غنا می بخشد؛ و آنها را بر فهم معانی آشکار و پنهان توانمند می سازد.

کارکرد

مهم ترین کارکرد این حوزه، نیز دستیابی به بصیرت و سواد فرهنگی است.

سواد فرهنگی و میان فرهنگی باعث می شود که متربیان بتوانند موارد زیر را درک کنند:

- ارتباط فرهنگ ها، اقوام و ملیت ها
- ارتباط خرده فرهنگ ها با فرهنگ معیار
- تمایز فرهنگ مدرن و سنتی

همچنین، مثلاً وقتی کسی نقاشی می کشد، خیلی وقت ها باید به یک شناخت برسد و تصمیم گیری کند، باید با یک مشکل رو به رو شود و آن را حل کند. بنابراین، در فرایند تولید اثر هنری، متربیان تصمیم گرفتن و حل مسئله را تجربه و تمرین می کنند. به علاوه، می توانند عواطف و خلاقیت ها و تخیلات خود را بروز بدهند. درواقع، به کمک هنر، می توان به جنبه های شخصی و اختصاصی هویت متربیان فرصت بروز و ظهور داد.

جهت گیری کلی

جهت گیری کلی این حوزه، «تربیت هنری» با تأکید بر دست یابی به بصیرت فرهنگی است.

بصیرت فرهنگی و تربیت هنری رویکردی فرابرنامه درسی بوده و روح حاکم بر کل نظام آموزشی است. به همین دلیل، باید از همه حوزه های تربیت (خصوصاً علوم انسانی، مطالعات اجتماعی، و زبان و ادبیات فارسی) برای تحقق آن استفاده نمود.

سوالات

۱. به کتاب «مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (ویژه مدارس)» مراجعه کنید و اهداف دوره ابتدایی را مطالعه کنید. این اهداف، در ۸ عنوان (اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی آموزشی و ...) دسته بندی شده اند. از هر عنوان، دو نمونه را بنویسید.

۲. حکمت چیست؟ حکمت و بصیرت هر یک چه زمانی حاصل می شود؟

۳. هدف از تربیت دینی چیست؟ (۴ مورد)

۴. مهمترین هدف تشکیل نظام اسلامی، است.

۵. سه بخش اصلی محدوده تربیت دینی را فقط نام برید.

۶. خداوند در دنیا چگونه به انسان نگاه می کند و با حرف می زند؟ نگاه خدا به انسان و سخن گفتن با او در قیامت، چه اثری دارد؟

۷. چرا آموختن زبان عربی ضرورت دارد؟

۸. چگونه می توان از آموزش ادبیات، به عنوان بستری برای پرورش مهارت ها و ارزش های اخلاقی دانش آموزان بهره برد؟

۹. آیه بینی و آیه خوانی به چه معناست؟

۱۰. مهمترین کارکرد حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر چیست؟